اندیشه نیک



گفتار نیک　　　　　　　　کردار نیک

اهورامزدا

نوشته:

دکتر جهانگیر اوشیدری

اَهورَه مَزدَه،اَهورامَزدا

واژه ای که اشو زرتشت در اوستا (گاتها) برای خدای یگانه به کار برده اهوره مزدا اســت. در آغاز بیشتر نیایشها، این عبارت به چشم می خورد: خَشنَوترَه اَهورَهِـه مَـزدا. یعنــی: بـه خشــنودی اهــورامزدا. اهــورامزدا در فارســی امــروز بــه شــکلهای زیــر درآمــده اســت: هُرمَزد،هُرمُزد،اورمَزد،هورمَزد،هرمز،اورمَز. همچنین خدا، خداوند، یزدان به همین معنــی در فرهنگهای فارسی آمده است. واژه هرمزد که امروز در نثر و نظم ما غالبا به معنی خداست، پس از گذراندن چند هزار سال به این ترکیب درآمده اســت. نخســت از ترکیــب دو واژه آریایی با معانی مختلف به وسیله پیامبر، اشو زرتشت، اسم خدای یگانه ایرانیــان گردیــد. و پس از چندین سده از زبان مخصوص گاتها و اوستا داخل زبان پارسی باستان(فُرس) یعنــی زبان دوره هخامنشی شد، پس از آن به پهلوی انتقال یافت و از آنجا به فارسی زبانان رسید. در گاتها که کهن ترین بخش اوستا است واژه مذکور دارای ترکیب پارسی باستان نیســت بسا اهورا و مزدا جدا از هم استعمال شده است: مثلا در یسنا ۲۸ بند اول، مزدا تنها برای خدا آمده است. در بند هشتم همین یسنا ابتدا اَهُورَ و پس از چندین کلمه فاصــله، مــزدا آمــده است. در بند دوم مزدا اهورَ به کار برده شده است ــ در سراسر گاتها در هر جایی از گاتها که این دو واژه با هم آمده است مزدا مقدم به اَهورَ است. در بند ۱۱ یســنا۲۸، پیــامبر مــی گوید: تو ای مزدااهورا مرا از خرد خویش تعلیم ده و از زبان خویش آگــاه ســاز کــه روز واپسین چگونه خواهد بود؟

در سایر بخشهای اوستا بر عکس گاتها که همیشه این دو واژه با هم آمده اهورا مقــدم بــه مزدا است البته در بعضی قسمتهای اوستا نیز مزدااهورا آمده است. در ســنگ نوشــته هــای میخی نیز بیشتر اهورا مقدم به مزدا می باشد.

معنی واژه های اَهورَ و مَزدَه

در اوستا اَهُورَ، و در وید برهمنان اَسورَ، هر دو از ریشه اَسو که به معنی سرور و مولاست می باشد. در نزد هندوان اَسورَ غالبا از برای پروردگاران بزرگ استعمال شده است، به ویژه در وید عنوان وارونا می باشد. این عنوان در کتاب مقدس هندوان فقط چهار بار به انسان داده شده است. در اوستا هم کلمه اهور به معنی بزرگ و سرور آمده است. این صفت برای ایزدانی مانند مهر و آبان نَپات و همچنین به معنی امیر، فرمانده بزرگ از برای انسان استعمال گردیده است.

مزدا در بعضی بندهای گاتها به معنی حافظه و به حافظه سپردن و به یاد داشتن است. این واژه در سانسکریت مِذَس، به معنی دانش و هوش می باشد. بنابراین وقتی که مزدا برای خدا به کار برده شده از آن معنی هوشیار و آگاه و دانا اراده کرده اند. از آنچه گذشت: اهورامزدا به معنی سرور و دانا است.

برخی بر آن گمانند که لفظ مزدا از دو واژه مه به معنای بزرگ(مز که بعداً در دَری مَس و به فارسی مَه شد) و زدا به مفهوم دانا ترکیب گشته است که به عنوان صفت دنبال واژه اهورا می آید. پژوهندگان بسیاری بر این عقیده اند که برای شناخت صحیح اهورامزدا و صفات و نامها و یگانگی او مطالعه اوستای کهن یعنی گاتاها و برخی یشتها نتایج درست تری به دست می دهد، زیرا در بخشهای اوستا متاخر که نشانگرِ دگرگونی هایی در آیین زرتشتی و صور بعدی این کیش است، مفاهیمی وارد شده است که با روح تعالیم و مقاصد پیامبر مغایرت دارد.

پیش از اشو زرتشت اهوره ها خدایان قبیله ای بودند، و هر قبیله دارای خدای بزرگ واحدی بود، لیکن اشو زرتشت نوید داد که در جهان، سروری دانا و خدایی یگانه وجود دارد که آفریدگار و منشا نیکی و راستی و پشتیبان همه مردمانی است که میان دو راه

نیک و بد، راه نیک را انتخاب می کنند.

البته با این رستاخیز بزرگ بسیاری از خدایان قبیله ای که اغلب از ارباب انواع و خدایان طبیعی بودند بلاتکلیف می ماندند، و مردمی که دراز زمانی این خدایان را ستایش کرده و با دل و جان پرستیده بودند نمی توانستند به آسانی خدایان خود را نادیده انگاشته و خدای نادیدنی و یکتایی را که آفریدگار همه چیز باشد مورد ستایش قرار دهند.

اما زرتشت در رستاخیز خود عموم خدایان طبیعت را برانداخت و آنها را به مقام دیوان یا خدایان دروغین درآورد و به جای آنها اهورامزدا ــ خدای یکتای جهان ــ را شناسانید؛ پروردگاری که مفهوم مجرد داشت و صفاتش چون امشاسپندان بر گرد وی بودند. به همین جهت است که خدایان بزرگ قدیم چون میترَ (مهر)، آناهیتا (ناهید) وِرِترَغن (بهرام) و هَئومَ و فَرَوشی ها را در گاتاها راه نیست و به هیچ روی از آنان یاد نمی شود.

چنانچه گفته شد، اشو زرتشت واژه اهورامزدا را نام خدای یگانه ایرانیان گردانید و به گروه پروردگاران آریایی، که هنوز در هندوستان مقام الوهیت آنان محفوظ است، داغ باطل زد، و دیو را که نزد آنان به معنی خداست غول و گمراه کننده خواند. از آن پس در ایران زمین خداپرست موسم شد به مزدیسنا، و پیرو دین باطل و مشرک دیویسنا خوانده شد.

اشو زرتشت، آنجا که به برگزیدگی خود اشاره می نماید، اهورامزدا ــ برگزیننده خود ــ را با این صفات یاد می کند: آفریننده زمین و آسمان؛ کسی که همیشه بوده و خواهد بود؛ کسی که از همه چیز آگاه و همه را بیناست. در دنیای آن روز تصور این مفهوم دشوار بود که یک خدا به تنهایی بتواند به اینهمه کارهای مهم برسد: آسمانی با این بزرگی، زمینی با این پهنا، کوههای بلند و دریاهای فراخ،جانوران و بشر و گیاهان ... تیره های گوناگون آریایی پیش از زرتشت آنچه را که در نظرشان سودمند بود، مثل آب و آتش، یا با شکوه و زیبا بود، مثل خورشید و ماه، جمله را خدایی دانسته و به شکرانه بخشایش و برکاتی که از این قوای طبیعت به آنان می رسید بدانها سجده می بردند. همچنین از قوای دیگر طبیعت که در بیم و هراس بودند و بسا از آنها آسیب و گزند می دیدند، مثل رعد و برق و غیره،

هر یک را جداگانه پروردگار غضب آلودی تصور نموده، و برای فرو نشاندن قهر و خشم آنان تضرع و زاری می کردند و فدیه و قربانی می آوردند. زرتشت به قوم خود گفت آنچه در بالا و پایین است جمله را یک آفریننده و سازنده است و جز او شایسته ستایش نیست، و آنچه مایه رنج و آسیب تست با آن بستیز. جنس زشت و ستمکار، از فدیه و تضرع تو خوب نگردد، نسبت به نیک، نیکی به جای آر و نسبت به بد، کینه ورز. چنان کن که بدی از جهان برخاسته، نابود گردد و سراسر جهان را خوبی فرا گیرد:

تو باید آن کسی را با ستایش پارسایی خود بستایی که همیشه مزدا اهورا نام دارد(یسنا۴۵-بند۱)

و

کسی که به ضد دروغ پرست با زبان و اندیشه و دست، ستیزگی کند، خوشنودی مزدااهورا را به جای آورد(یسنا۳۳، بند۲)

نخستین روزِ هر ماه به اسم خداوند خوانده شد، و موسوم به هرمز گردید. و هرمز، برای شگون و تیمن و تبرک جز اسامی اشخاص شد؛ چنانکه امروز هم هست.

همچنین روزهای هشتم و پانزدهم و بیست و سوم(دی) هر ماه نیز به شکل دیگری به نام خدا خوانده شده زیرا این سه روز دی خوانده می شوند و دی به معنی آفریدگار است(از واژه پهلوی دَدوَ مشتق است و غیر از دَئِنَ به معنی دین و کیش و آیین است.)

برخی صفات مینوی اهورامزدا

سپنتامینو که به معنی خرد مقدس است و از آن، قوه عامله اهورامزدا اراده شده است. خود امشاسپندان و ایزدان هم گهی به عنوان صفات اهورامزدا یاد شده اند و گهی به عنوان ایزد. دو صفت دیگر که در اوستا زیاد استعمال شده یکی خوَرِنَه وَنت به معنی دارنده فر و شکوه

است که در ادبیات زرتشتی خَرَه مند و در فارسی فرهمند شده و دیگری رَئِونَنت که در پهلوی رایومند شده و به معنی دارنده جلال و شکوه و فروغ است.

اهورامزدا و هرمزد در یَشت ها

یَشت ها در ستایش پروردگار و نیایش ایزدان است و مضامین آنها عبارت از سنتهایی است که از زمان بسیار کهن، پشت به پشت میان ایرانیان می گردیده، و قدمت برخی از آنها تا به عهد آریایی هند و ایران می رسد، و نظایر آنها در وید برهمنان نیز موجود است. یشت ها بعد از گاتها و هفت ها قدیمیترین جزوات اوستا است، و باید دانست، یشتها که بخشی از ادبیات مزدیسنا را تشکیل می دهد منسوب به اشو زرتشت نیست. درباره یشت و یسنا باید این توضیح داده شود. یسنا به معنی ستایش و نیایش است به طور عموم، و حال آن که یشت به معنی ستایش پروردگار و نیایش امشاسپندان و ایزدان است. یشت ها از حیث قدمت یکسان نیستند و زمان تدوین پاره ای از آنها چون هرمز یشت روشن نیست. هرمز یشت که در سر بیست و یک یشت اوستا جای داده شده، در واقع فهرستی است از اسامی و فضایل و صفات اهورامزدا: از بند ۱ تا ۶ از اسامی اهورامزدا که به طور عموم مقدس ترین کلام رحمانی و موثرترین نیایش ها است صحبت می شود. از بند ۷ تا ۸ اهورا ۲۱ اسم خود را برای زرتشت می شمرد و در فقره ۸ می فرماید: دوازدهمین نام من اهورا است. و در آخر همین بند می گوید بیستمین نامم مزدا است. از بند ۹ تا ۱۱ اثر و خاصیت اسامی فوق بیان می شود. از بند ۱۲ تا ۱۵ دوباره اهورامزدا ۳۴ اسم دیگر خود را برای پیامبرش ذکر می کند. از بند ۱۶ تا ۲۰ در تاثیر و قوت اسامی خدا است. از بند ۲۰ تا ۲۲ دعا و ستایش است.

بندهای دیگر کم و بیش تعلیمات اهورایی و روشهای زندگی برای نجات است. در آغاز این یشت از نامهای خداوند و امشاسپندان سخن به میان می آید، و گفته می شود که این

نامها برای مردم گراینده،بهترین وسیله جهت نیل به پاکی و پارسایی است، و دانستن و به یاد داشتن این نامها، و به هنگام سختی یاد کردنشان، سبب گشادگی و صفای دل و زدوده شدن گرفتاری ها و راندن نیروهای شر می شود. که متاسفانه این اثر که بیشتر جنبه روانی و ایمان دارد مورد سو استفاده گروهی روحانی نما یا استفاده جو می شود و برای دکان داری مقادیری خرافات در آن وارد می نمایند، زیرا به زودی هدف اصلی پنهان مانده و اسما خدایی به صورت طلسم و نوشته و دعا و بازوبند و جادو و حَرز(نوشته دعا مانند) در می آید. در صورتیکه در اصل موضوع آن بود تا مردمان همواره راستی و درستی و نیکی را در نظر داشته باشند و خداوند در نظرشان باشد. و نیروهای شر را برانند که عبارت بودند از: دیوان خدایان غیرواقعی و شیاطین که پیکهای آنان بودند، جادوان که از راه اهریمنی برآن می شدند تا در کار طبیعت دست برند و موجب ترس و بیم و آزار مردم گردند. پریان یا جنیان که موجوداتی بودند خیالی و پنداری و نادیدنی که جادوگران ادعا می کردند با آنان رابطه دارند، و سرانجام مردمان کجرو که آیین بهی را نمی پذیرفتند.

انعکاس اسما خدایی و صفات او در زبان یا اندیشه، به آدمی نیرو می بخشید تا در مقابله با عناصر شر راسخ باشد و دچار وسوسه نگردد.(اثر کلام خدایی و مانتره و وظیفه پزشکان روانی یا مانتَره بئیشَه زُ)

اهورامزدا در پاسخ زرتشت نامهای خود را چنین می فرماید:

۱-همه چیز داننده. ۲-بخشنده گله و رمه ۳- برکت دهنده ۴- بهترین راستی(اشویی) ۵- آفریننده سراسر نعمتهای پاک ۶- نفس خرد و دانش ۷- خردمند و دانا ۸- دارنده دانش ۹- دانشمند ۱۰- پاک کننده ۱۱- مقدس ۱۲- اهورا ۱۳- زورمند و سودمند ۱۴- پالوده از دشمنی ۱۵- توانا ۱۶- بخشنده پاداش ۱۷- نگهبان ۱۸- تندرستی بخش ۱۹- آفریدگار ۲۰- مزدا(از بندهای ۷و۸). در جای دیگر، در بند ۱۵-۱۲ هرمز یشت، اهورامزدا صفات و اسما خداوندگاری را به زرتشت الهام کرده و چنین بر می شمرد:

منم دانا، منم روح القدس، تندرستی بخش نام من است، راهبر نام من است، بزرگترین راهبر نام من است، اهورا نام من است، مَزدا، فرهمند، فرهمندترین، پاکی، پاکترین(اشـو)، بینـا، دوراندیش، دوراندیش ترین، پشتیبان، نگهبان، دادار، پاسبان، پروردگار، آگاه، آگـاهترین سعادت بخش، مانتره سعادت، شهریار، بزرگترین شهریار، آفریدگار بزرگ،(این همه) نـام من است و این است همه نام های من. آنگاه در بندهای بعدی گفته می شود که توجـه بـه این نامها است که مردم را از گزندهای اهریمنی محافظت و نگهبانی می کند. در بنـد ا و ۲ هرمز یشت، اشو زرتشت از اهورامزدا پرسشهایی می کند که چنین پاسخ می شنود:

ای اسپیتمان زرتشت، اسم ما و امشاسپندان در کلام مقدس، قادرتر،پیروزمندتر، بلنـد رتبـه تر، برای روز واپسین موثرتر، است. این پیروزمندترین، این چاره بخش ترین اسـت. ایـن است آنچه بهتر به خصومت دیوها و مردم غلبه کند. این است آنچه در سراسر جهان مادی بیشتر در اندیشه اثر نماید.این است آنچه در سراسر جهان مادی بهتر وجدان را پاک کنـد. به هر حال همواره و در هر حال باید نامهای مقدس یاد شود که سبب نیرو افزونی گردد.

توجه به مفاهیم اهورامزدا و مقایسه صفات، نامها، و پرتوهای او در گاتاها و بخشهای دیگر اوستا، روشن می کند که: وی دانای کامل است و آگاه از همه رویدادهای گذشته و آینده. آهنگی جز برای راستی و درستی و نیکی ندارد. وجودش ازلـی اسـت و ابـدی. در آغـاز، آفرینش به اراده وی انجام گرفته و پایان جهان به فرمان و رای و اراده اوست. و هم اوست کسی که در کار جهان نظارت داشته و یاور راستروان و پاک کرداران اسـت. آنچـه کـه آفریده، از وجود او خارج نیست. و چون بشر را آفرید او را آزاد گذاشت تا راه راسـت را برگزینند و یا از زمره کجروان شود، اما او خود با تمام نیرو در گسترش راستی و راه نیـک کوشش می کند.

البته بعدها به ویژه در عصر ساسانی فرقه هایی ظهور کردند که کمابیش از مزدیسنا نشات یافته بودند و خدشه هایی در جنبه تجرد و معنویت اهورامزدا وارد کردنـد. ماننـد مـذهب زروانی که در میان طبقات اشراف رواج یافته و معتقد بود که زروان اعظم، پدر اهورامزدا و

اهریمن است و اصطلاح دو گوهر همزاد اصطلاح زروانی هاست. این فرقه تا پایان ساسانیان هم بود و پس از اسلام هم فرقه های دهریون و قدریون که ، آیه و اصطلاح تعز و من تشا، و تذل و من تشا، ورد کلام ایشان بود از زروانیه متاثر بودند. دین مانوی آیین مزدیسنا و دین مسیح و آیین بودا را در هم آمیخته بود و دین مزدکی که یک نوع مسلک اشتراکی به شمار می رفت.

اهورامزدا جسم یا مرکب نیست، هستی او فروغ سرشار یا به گفته گاتها، مینوی پاک است. مئینیو که در پارسی مینو شده و آن را به معنی بهشت گرفته اند، در اوستا به معنی خرد یا روان است. در مقابل آن گئیته یعنی مادی و جسمانی. اهورامزدا در سر ایزدان مینوی، و زرتشت در سر ایزدان جهانی است. سپنتامئینیو فروزنده پدیدآرندگی مزدا است و ریشه آن ذات اهورامزدا است و با همین پرتو است که خدا آفریدگار و بخشاینده نیکی شمرده می شود. زرتشت در گاتها همه جا از ذات خداوند نفی رویت می کند و چندی و چونی و همانندی را از پروردگار به دور می داند. خدای او یگانه، دادگر، مهربان، آفریننده، و فرمانروای جهان و نگهدار و نگهبان آن است. هستی او روان و فروغ سرشار است. پرفسور گیگر می گوید:

ایرانیان در دورانهای بسیار کهن بدون اینکه از جایی آموزش یافته باشند در سایه آموزشهای اشو زرتشت به یکتاپرستی پاک و بی آلایشی رسیده بودند زیرا فلسفه گاتها یکتاپرستی است، و از همین جاست که می بینیم ایزدان جایی در گاتها ندارند زیرا در خور خداشناسی این سرودها نیستند.

در گاتها بارها به پرسش های اشو زرتشت از اهورامزدا درباره آفرینش و آفریده ها بر می خوریم که پاسخ مطلوب بدان داده می شود: آفریدگار یگانه زرتشت، بی آغاز و بی انجام است. او همیشه همان بوده و همواره همان خواهد ماند. او تغییرناپذیر است. او توانا، تواناترین، دادگر، دادگرترین است. اهورامزدا آفریننده جهان خاکی و مینوی است. و سامان آفرینش را نیز هم او پدید آورده است. به ویژه درهات ۳۱ بند ۸ آفریننده نظم و

سامان بخش سراسر آفرینش و جهان هستی خوانده شده است. او آفریدگار کل، آفریننـده راستی، سازنده منش نیک، بخشنده خرد پاک و اندیشه روشن است تا هر کس آزادانـه راه خود را برگزیند. او آفریننده رسایی و جاودانی است، بخشاینده نیکی ها و افزودنی هاست. او خدای پاکی و راستی و پیمان شناسی است که خشم و کـین در درگـاه او راه نـدارد؛ و آفریدگان او نیز باید چنین باشند. او توانای بیمانندی است که هرچه بخواهد انجام می دهد. او دانای بیکرانی است که همواره از نهان و آشکار جهان آگاه است. از هر کار آشـکار و نهان که در خور سزاست، و از هر کردار زشـت هـر چنـد بسـیار کوچـک یـا شایسـته بزرگترین کیفر است، تو، به دستیاری راستی، آگاهی و با دیدگان روشن خود، نگهبانی.

اهورامزدا از دید برخی یونانیان و مقایسه او با زئوس یونانی

افلاطون فیلسوف بزرگ(۲۴۹-۳۴۷پیش از مسیح) نخستین یونانی است که از اهـورامزدا و فرستاده اش زرتشت اسم می برد. بیشتر مورخین یونانی معاصر پادشاهان هخامنشی در طـی اخبار راجع به ایران به اهورامزدا، نیز اسم خدای بزرگ خود زئوس را داده اند. و به همـین دلیل ستاره برجیس یا مشتری، که آنان زئوس(زاوش) می خواندند در فارسـی هرمـز نیـز خوانده شد. پس از اسکندر مورخین، خدای ایرانیـان را بـه اسـم مخصـوص اورمَـزِس یـا هُورمَزِس نوشته اند. فیلسوف یونانی پُرفیریـوس، کـه در سـال ۳۰۴ مـیلادی در گذشـته، فیلسوف دیگر یونانی یعنی فیثاغورث را که در نیمه قرن ششم پیش از میلاد می زیسـته از شاگردان زرتشت شمرده و از قول او می گوید:

"فقط به واسطه راستی است که انسان شبیه به خدا تواند شد زیرا چنانچه او از مغ ها تعلـیم یافته است خداوندی که آنان اورمزس می نامند، جسمی است مثل نور،و روحی است مثـل

راستی." یا "پیکره اش مانند روشنی و روانش بسان راستی است".

آنچه پرفیریوس از زبان مغ های ایران در وصف هرمز می نویسد بـه کلـی مطـابق آیـین زرتشتی است: در بند ۸۱ فروردین یشت آمده است:

"اهورامزدا فروغ سفید و درخشان و روح کلام مقدس است، و اَشکالی که پذیرد(معنویـات مینوی) زیباترین اشکال امشاسپندان است".

پلوتارخس که در سال ۴۶ میلادی تولد یافتـه و در ۱۲۵ در گذشـته، مفصـلا از اهـورامزدا صحبت می دارد، از جمله می نویسد زرتشت تعلیم داده است که در عـالم کـون و وجـود هرمزس، اَشبَه است به نور، و اَرمانیوس(اهریمن) اشبه است به ظلمت و جهل. مورخ مزبور همچنین می نویسد که به قول ایرانیان،هرمزس از نور تولد یافت. البته همه نظرات یونانیـان برابر اوستا نیست و نمی توان هرمز را به زئوس یونانیان و ژوپیتر رومی هـا ـ بزرگتـرین پروردگار آنان ـ ربط داد زیرا اصولا اهـورامزدای ایرانیـان ماننـد زئـوس یـا ژوپیتـر از پروردگاران طبیعت نیست؛ در واقع هرمزد به هیچ یک از پروردگاران اقوام قدیم شباهتی ندارد؛ نه با خدایان سومر و آکاد و آشور و بابل و فنیقی و مصر، نه با پروردگاران یونان و روم، و نه حتی با هیچ یک از خداوندان هندو(مثل ایندرا و وارونا و غیره که روزی، قبل از جدایی هندوها، مورد احترام نیاکان آریایی بوده است). وجه تسمیه ستاره مشتری به هرمـز درست معلوم نیست چه بین اهورامزدای زرتشت(که خدای مابعد طبیعـی اسـت) و زئـوسِ یونانیان و ژوپیترِ رومیان(که خداوندان طبیعت اند) اساسا رابطه ای موجود نیست،اما وجـوه ذیل را می توان علت این وجه تسمیه قرار داد: ۱- اهورامزدا نزد ایرانیان خدای اعظم اسـت و در راس همه ایزدان قرار دارد، مشتری نیز از بزرگترین سیارات بـه شـمار مـی رود ۲- تاثیر عقیده یونانیان و رومیان در مورد زئوس و ژوپیتر بر ایرانیان باعث اطلاق اورمزد بـه مشتری گردید چه پیش از زرتشت، اهورا در نزد ایرانیان و هندوان به همان وارونا، خـدای آسمان اطلاق می شده است، و چون زئوس و ژوپیتر(مشتری) نیز خدای آسمان است شاید از این رو این اطلاق رواج یافته باشد.

اهورامزدا سرچشمه نیکی و منشا اشا و بالاترین اَشَوان است. اشه(اَرتَه) یعنی خیر، تقوی(به هر دو معنی اخلاقی و دینی) و دین راستین و سعادت کامل در بهشت را اشه به دست می دهد. اشون به معنی موجود اشه آمده است و از آن مومن کامل متدین به دین راستین و بهشتی(برخوردار از بهشت) اراده شده است. به جای این دو واژه اکنون تقدس و مقدس به کار می رود. اشو که در فرهنگهای پارسی به معنی بهشتی (در مقابل دوزخی) آمده از همین ریشه است. بهترین توصیف از اهورامزدا در بندِ ۱ فرگرد ۱۱ وندیداد آمده است که خلاصه اوصاف فوق است:

اهوره مزده مئینو، سپنیشته، داتره گا آثنام استوئیتنام، اَشائوم. یعنی خدای دانا، مینوی پاکتر، آفریدگار جهان مادی، مقدس.

اهورامزدا و امشاسپندان

استاد پورداود در جلد یشتها، در مقاله امشاسپندان می نویسد: در جزو خطوط میخی عهد آسور بانیپال پادشاه آشور(۶۲۶-۶۶۷ق.م) متوجه می شویم که از چندین پروردگار اسم برده شده است، از آن جمله اَسارامَزَس و هفت اَنوماکی، که برخی خاورشناسان احتمال می دهند که از این دو اسم، اهورامزدا و هفت امشاسپند مقصود باشد.(یشتها. جلد ۱) در خطوط میخی پادشاهان هخامنشی زرتشتی کیش، نام اهورامزدا در هر جمله تکرار شده است. در فروردین یشت بند ۸۱ می خوانیم که اهورامزدا در ترکیب زیبای امشاسپندان تجلی می کند. نکته لازم به توضیح این است که از برای هر یک از امشاسپندان، همکار، یعنی یاران و همراهانی ذکر شده است. و همچنین هر یک را هَمَستار یعنی رقیب و ضد و دشمنی است. انگره مئینو(خرد خبیث= اهریمن) در آغاز، همستار یا ضد سپنت مینو بوده است. چون به مرور سپنت مینو(خرد مقدس) از شمار هفت گانه امشاسپند افتاده و به جای آن خود اهورامزدا در سر امشاسپندان قرار گرفته است لاجرم اهریمن نیز در مقابل اهورامزدا

تصور شده است و مزدیسنا آیینی ثنوی تصور شده است. به عقیده پورداود ماخذ اصلی این اشتباه معروف که اهریمن را نقطه مقابل هرمز خوانده اند همین است(البته موارد دیگری نیز می باشد مانند عقیده زروانیها و...)

اهورامزدا، شاهین و عقاب، فروهر

اُزبیوس به نقل از فیلوس پیلبیوس(۱۳۰-۸۰ میلادی) می گوید: "خداوند را سری است مانند سر شاهین، اوست نخستین و فنا ناپذیر وجاودانی، نه از کسی تولد یافت و نه چیزی است قابل تقسیم. بی مانند و بی نظیر است، آفریننده کل چیزهای نیک است، خود بهترین نیکی است، فریفته نشود و خردمندترین خردمندان است، اوست پدر نظم و آیین و عدالت، کسی است که از خود تعلیم یافت. ساده و رسا و داناست. یگانه موجود قانون مقدس طبیعت است."

هر چند در اوستا به جایی برنمی خوریم که اهورامزدا به عقاب تشبیه شده باشد اما نظر به سایر اوصافی که فیلوس از اهورامزدا می شمارد از سر عقاب یک معنی مجازی بسیار عالی اراده کرده است، و لابد مرغی که نقل می کند همان است که در اوستا سئن نامیده شده و در تفسیر پهلوی اوستا سیمرغ گردیده است. ولی درک نادرست یونانیان از صفات اهورامزدا بدان سبب است که از برای آنها فهمیدن خصایص اهورامزدا به طوری که در آیین مزدیسنا هست دشوار بوده چرا که خدای بزرگ آنان زئوس به کلی از معنویات بری، و تمام بزرگواری و جلال و جبروتش ظاهر و جسمانی بوده است.

و اما درباره فروهر که نگاره آن را برخی، نقش نگاره اهورامزدا پنداشته اند بهتر است توضیح کاملتری داده شود: نقشی که در برخی کنده کاریها به چشم می خورد و متاسفانه گروهی نادانسته و یا به تعبیر غلط آن را نگاره اهورامزدا خوانده اند، نگاره فر وهر است. گرچه ممکن است حدس زده شود که ایرانیان به تقلید بابلیها برای اهورامزدای غیر مرئی و معنوی خویش شکلی درست کرده باشند؛ چه در نقش مذکور اثر صنعت بابل دیده می شود

و شباهت آن با نقوش پروردگاران بابل آشکار است، ولی هردوت مـی نویسـد: "در نـزد ایرانیان معمول نیست که مجسمه و معبد و مهراب برپا کنند، به نظر آنان کسانی که آنها را می سازند عمل خطا و نادرستی مرتکب می شوند؛ ایرانیان مثل یونانیان اعتقـاد ندارنـد کـه پروردگارانشان به شکل انسان باشند."
گروه دیگری از خاورشناسان می گویند که نقش مذکور فروهر اهورامزدا است؛ با توجه به اینکه فروهر یکی از نیروهای پنج گانه است شاید این عقیده از حقیقت دور نباشد، امـا بـه هر حال گمانی بیش نیست. برخی دیگر هم با توجه به اینکه همواره از فروهر پاکان یاری خواسته می شده آن را نقش فروهر پادشاه وقت دانسته اند. به هر حال از آنجا که اهورامزدا چنان که در اوستا توصیف شده، صورت خارجی و جسمانی نپذیرد انتسـاب ایـن نقـش و نگار به اهورامزدا صحیح نیست.
در سنت مزدیسنا بوی مورْدْ و یاسمن مخصوص اهورامزدا است(بُندهِش ۲۷ بند ۲۴) مـورْدْ از آنجا که همیشه سبز و خرم است و آسیب خزان نبیند مخصوص اهـورامزدای جـاودانی است، همان اهورامزدایی که اشو زرتشـت در گاتهـا بـه او مناجـات کـرده گویـد:" ای اهورامزدا، همان که ترا با دیده دل نگریسته در قوه اندیشه خود دریافتم که تویی سـرآغاز، تویی سرانجام، که تویی پدر منش پـاک، کـه تـویی آفریننـده راسـتی، کـه تـویی داور دادگر"(یسنا ۳۱ بند۸)

ستایش هرمز در نیایش سیروزه های کوچک و بزرگ

در مقدمه سیروزه بزرگ، درباره هرمزد چنین آمده است: "هرمز شـکوهمند و فرهمنـد را می ستاییم. امشاسپندان، شهریاران نیک و نیک کنش را می ستاییم".
در سیروزه کوچک درباره هرمز فقط چنین آمـده اسـت:" هرمـزد رایومنـد و فرهمنـد و امشاسپندان."

خانم دکتر آذرمیدخت دهدشتی در پایان نامه خود به نام سیروزه بزرگ و کوچک(سازمان انتشارات فروهر،۱۳۶۳) درباره هرمز چنین توضیح می دهد: "هرمز آمرزیدار است، یعنی هر کس برای گناهی که کرده است اگر در پیشگاه هرمزد توبه(پِتت) نماید در روز واپسین(رستاخیز)، کالبد یعنی جسد یا تن بی روانش برای رسیدگی به کارهایش به شکل نخست در می آید و روان بدو بخشیده می شود که جاویدان نیک آفریده(زیبا) بود. رایومندی و فرهمندی اش اینکه چون خود فرهمند است هر کس را فره نیک از اوست. نشان اهورامزدا در گیتی مرد اشو است. چنانچه مرد اشو به گیتی سودی است بزرگ همانگونه هم هرمزد در مینو و گیتی (دو جهان) سود همیشگی است."

توصیف هرمزد از ستایش سیروزه

هرمزد شناینیداره (ستایش):

"دادار نیکی افزای تویی. خدای مَهَست دانا، هرمزد هُروِسفْ(همه) توان، هروسف آگاه آفریدار و داشتارِ(نگاه دار) همه دامها(آفریده ها) ی گیتی و مینو. و ترا ستایم و خواهانم و خود را از تو دانم به هر گاه و هر زمان. سپاسدارم از تو دادار رایومند و فرهمند که مرا فراز آفریدی. و دادی به گیتی درستی تن، و به هر چیز کام انجامی،و به هر کار و دادستان نیک، پایداری، خجسته، مُروای(فال) خوب، خوب فرجامی باد."

در همازوردهمان در نیایشی که انجام می گیرد و بیشتر برای یگانگی و اتحاد است درباره اهورامزدا آمده است:" فزون توانا باشد دادار اهورامزدای رایومند و فرهمند با همه امشاسپندان پیروزگر و همه روانان پاک که آنها را دادار اهورمزد آمرزیده و بخشیده است." نمونه بخشایش او اینکه هر کس از گناهان نزد دادار اهورمزد توبه و بازگشت نماید در رستاخیز رستگاری می یابد. در بیشتر نیایشها و آفرینگانها همواره اول اهورامزدا و سپس امشاسپندان ستوده شده و گرامی داشته شده اند، و چون هر نیایشی برای مراسم ویژه سروده می شود بنابراین بر حسب چگونگی آن نیایش، فروهران سایر بزرگان و دلیران و

پهلوانان و شهریاران خوب، به نیکی یاد می شوند که بالاتر و برتر و سرتر از همـه همـان اهورامزدای توانا می باشد.